

تأثیر درجه‌بندی مجازات‌ها بر حداقل و حداکثر مجازات قانونی

امید شهبازی*

مشخصات رأی
شماره دادنامه: ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۴۸۰۱۲۴۲
تاریخ صدور رأی: ۱۳۹۴/۱۲/۲۶
مرجع رسیدگی: شعبه ۴۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
اتهام: تصرف عدوانی (مزاحمت ملکی)

۱- وقایع پرونده

در پی شکایت آقای ع.م علیه آقای خ.ص دایر بر ایجاد مزاحمت ملکی از طریق گذاشتن کارتن وسایل در جلوی مغازه و راه‌پله، شعبه دهم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۱۲ (امام خمینی) تهران بزه انتسابی به ایشان را محرز و مسلم تشخیص داده و مبادرت به صدور قرار مجرمیت می‌نماید. با صدور کیفرخواست، پرونده به شعبه ۱۰۲۴ دادگاه عمومی جزایی مجتمع قضایی ولیعصر تهران ارجاع می‌گردد. شعبه مذکور با توجه به ادله موجود در پرونده از جمله اظهارات مطلعین، اقراریه ضمنی متهم، کیفرخواست صادره از دادسرا و قرائن و امارات موجود، مستنداً به مواد ۶۹۰ قانون تعزیرات و مواد ۶۶-۶۷-۸۶ قانون مجازات اسلامی نامبرده را علاوه بر رفع مزاحمت به پرداخت هجده میلیون ریال جزای نقدی بدل از شش ماه حبس تعزیری در حق صندوق دولت محکوم می‌نماید.

در پی تجدیدنظرخواهی محکوم‌علیه، پرونده به شعبه ۴۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران ارجاع می‌شود. شعبه مذکور بیان می‌دارد: دادنامه معترض‌عنه مطابق

* کارشناس ارشد حقوق کیفری دانشگاه علامه طباطبائی و پژوهشگر پژوهشگاه قوه قضاییه
omid.sh1993@gmail.com

موازین قانونی صادر شده است لکن حسب ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، بزه انتسابی درجه شش محسوب می‌شود که میزان حبس مقرر را بیش از شش ماه تعیین نموده است؛ بنابراین دادگاه تجدیدنظر میزان حبس را به شش ماه و یک روز اصلاح کرده و با حذف جزای نقدی، اجرای مجازات حبس را با توجه به مواد ۴۶-۴۷-۵۲-۵۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به مدت دو سال معلق می‌کند و در نهایت دادنامه معترض‌عنه را به شرح اصلاح و تعلیق حبس مقرر، تأیید می‌نماید.

۲- نقد و بررسی

در پرونده حاضر، آراء صادره از دادگاه‌های محترم بدوی و تجدیدنظر دارای ایرادات شکلی و ماهوی به شرح ذیل است:

ایرادات شکلی

- با توجه به این که مجازات بزه ارتكابی، به موجب ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ (بخش تعزیرات)، عبارت است از یک ماه تا یک سال حبس، بنابراین از موارد الزامی بودن حکم به مجازات جایگزین حبس خارج بوده و مشمول ماده ۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قرار می‌گیرد. ماده فوق مقرر می‌دارد: «دادگاه می‌تواند مرتکبان جرائم عمدی را که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال حبس است به مجازات جایگزین حبس محکوم کند، در صورت وجود شرایط ماده (۶۶) این قانون اعمال مجازات‌های جایگزین حبس ممنوع است». بنابراین مشخص می‌شود که حکم به مجازات جایگزین حبس در ماده فوق، منوط به عدم وجود سابقه محکومیت کیفری به شرح ماده ۶۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است. در واقع سابقه محکومیت کیفری به «بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا شلاق تعزیری» و یا «یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از

یک‌پنجم دیه»، مانع از تبدیل مجازات مرتکبان جرائم عمدی به مجازات جایگزین حبس می‌شود. در رأی صادره ملاحظه می‌شود که دادگاه محترم بدوی بدون این‌که کوچک‌ترین توجه و اشاره‌ای به سابقه محکومیت کیفری مرتکب داشته باشد به مجازات جایگزین حبس حکم داده است؛ حال آن‌که بایسته و شایسته است محکمه در دادنامه به‌صورت مستدل و مستند به این مهم بپردازد.

— دادگاه محترم تجدیدنظر نیز به تعلیق اجرای مجازات حکم نموده است بدون این‌که کوچک‌ترین اشاره‌ای به شرایط تعلیق اجرای مجازات داشته باشد و حال آن‌که به‌موجب ماده ۴۰ و ۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، صدور قرار تعلیق اجرای مجازات مستلزم احراز چندین شرط است از جمله: وجود جهات تخفیف، پیش‌بینی اصلاح مرتکب، جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران و فقدان سابقه کیفری مؤثر.

— بر اساس مواد ۷۰ و ۸۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و به‌ویژه تصریح تبصره ماده اخیر که مقرر می‌دارد: «دادگاه در متن حکم آثار تبعیت و تخلف از مفاد حکم را به‌طور صریح قید و به محکوم تفهیم می‌کند. قاضی اجرای احکام نیز در ضمن اجرا با رعایت مفاد حکم دادگاه و مقررات مربوط، نحوه نظارت و مراقبت بر محکوم را مشخص می‌نماید»، می‌توان اظهار داشت: در موارد صدور حکم به مجازات‌های جایگزین حبس، تصریح آثار تبعیت و تخلف از مفاد حکم توسط محکوم‌علیه در متن رأی، لازم و ضروری است. امری که در رأی دادگاه محترم بدوی مغفول مانده و کوچک‌ترین اشاره‌ای به آن نشده است.

— دادگاه تجدیدنظر در قسمت پایانی رأی مقرر داشته است «... در صورتی که مشارالیه در خلال مدت مذکور مرتکب یکی از جرائم مندرج در ماده ۵۲ قانون مارالذکر گردد ... کیفر معلقه پس از رفع اثر از قرار مصدوره، درباره مشارالیه به‌موقع اجرا گذاشته خواهد شد ...» از یک‌سو بهتر بود مطابق ماده ۵۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به‌جای استفاده از عبارت «در خلال مدت مذکور»، از عبارت روشن و دقیق‌تر «از تاریخ صدور قرار

تعلیق تا پایان مدت تعلیق» استفاده می‌کرد. از سویی دیگر نحوه نگارش بخش پایانی رأی دادگاه تجدیدنظر، این امر را به ذهن متبادر می‌سازد که به محض ارتکاب یکی از جرائم عمدی مستوجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر درجه ۷، قرار تعلیق لغو شده و مجازات معلق درباره فرد اجرا می‌شود در حالی که بر اساس ماده فوق‌الذکر، لغو قرار تعلیق و دستور اجرای حکم معلق، منوط به قطعیت حکم صادره در خصوص جرائمی است که محکوم، بعد از صدور قرار تعلیق مرتکب شده است؛ بنابراین جا داشت قضات محترم به این مهم اشاره می‌کردند.

– ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «اگر رأی تجدیدنظرخواسته از نظر تعیین مشخصات طرفین یا تعیین نوع و میزان مجازات، تطبیق عمل با قانون، احتساب محکوم‌به یا خسارت و یا مواردی نظیر آن، متضمن اشتباهی باشد که به اساس رأی، لطمه وارد نسازد، دادگاه تجدیدنظر استان، رأی را اصلاح و آن را تأیید می‌کند و تذکر لازم را به دادگاه نخستین می‌دهد». بر اساس قسمت اخیر ماده فوق، در مواردی که دادگاه تجدیدنظر استان رأی تجدیدنظرخواسته را اصلاح و تأیید نماید، لازم است تذکر لازم را به دادگاه نخستین بدهد. در حالی که در رأی صادره به این مهم توجه نشده است؛ بنابراین لازم بود دادگاه قسمت پایانی رأی را این‌گونه بیان می‌کرد: «النهاییه دادنامه معترض‌عنه، وفق ماده ۴۵۷ و بند الف ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری، ضمن اصلاح و تعلیق حبس مقرر و تذکر به دادگاه نخستین تأیید و استوار می‌شود.»

ایرادات ماهوی

– ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (بخش تعزیرات) مقرر می‌دارد: «هر کس ... اقدام به هرگونه تجاوز و تصرف عدوانی یا ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق در موارد مذکور نماید به مجازات یک ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود ...» مطابق ماده فوق، مجازات بزه ایجاد مزاحمت عبارت است از «یک ماه تا یک سال حبس» دادگاه با توجه به

شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر جرم و وضعیت شخص مجرم، این اختیار را دارد به حداقل یا حداکثر مجازات مذکور حکم نموده یا این که اساساً مجازاتی حداقل و حداکثر مقرر دارد. از سویی دیگر، بر اساس ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و تبصره دو آن، میزان مجازات فوق منطبق با درجه ۶ است. حسب تصریح تبصره ۴ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، هدف از درجه‌بندی مجازات‌های تعزیری، صرفاً تعیین درجه مجازات بوده و تأثیری در میزان حداقل و حداکثر مجازات‌های مقرر در قوانین ندارد. در واقع مجازات هر جرمی با توجه به قبح رفتار مجرمانه با رعایت حداقل و حداکثر کیفر در کتاب پنجم ذیل عنوان تعزیرات مشخص شده است و اساساً به همین خاطر است که تبصره فوق وضع گردیده است (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۷۲). دادگاه محترم تجدیدنظر با این استدلال که: «کیفر متعلقه حسب ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی درجه ۶ تلقی می‌گردد که میزان حبس مقرر را بیش از شش ماه تعیین نموده است، لذا میزان حبس به شش ماه و یک روز اصلاح و با حذف ۱۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی، شش ماه و یک روز حبس معینه درباره تجدیدنظرخواه در اجرای مواد ۴۶ و ۴۷ و ۵۲ و ۵۴ قانون مجازات اسلامی برای مدت ۲ سال معلق می‌گردد...» بدون توجه به تبصره فوق‌الذکر، مجازاتی را که در دادگاه بدوی به درستی مقرر شده بود، نادرست دانسته و مبادرت به اصلاح آن می‌نماید، در حالی که این اقدام فاقد هرگونه وجهت قانونی است.

مطابق ماده ۴۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، دادگاه تجدیدنظر استان نمی‌تواند مجازات تعزیری یا اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در حکم تجدیدنظرخواسته را تشدید کند، مگر در مواردی که مجازات مقرر در حکم نخستین برخلاف جهات قانونی، کمتر از حداقل میزانی باشد که قانون مقرر داشته و این امر مورد تجدیدنظرخواهی شاکی و یا دادستان قرار گرفته باشد. در این موارد، دادگاه تجدیدنظر استان با تصحیح حکم، نسبت به تعیین حداقل مجازاتی که قانون مقرر داشته است، اقدام می‌کند.

بر اساس ماده فوق که بیانگر قاعده منع تشدید مجازات در مرحله تجدیدنظر است (خالقی، ۱۳۹۵: ۴۶۱)، اصل بر ممنوعیت تشدید مجازات در مرحله تجدیدنظر است و خلاف آن مشروط به دو شرط است: نخست این که مجازات مقرر در حکم نخستین برخلاف قانون، کمتر از حداقل مقرر قانونی باشد و دوم این که شاکی یا دادستان از این جهت به حکم صادره اعتراض کرده باشند (رحیمی و رحیمی دهسوری، ۱۳۹۶: ۴۳۸). به عبارت دیگر، دادگاه تجدیدنظر، صرفاً در صورت اجتماع دو شرط فوق‌الذکر می‌تواند مجازات تعزیری یا اقدام تأمینی و تربیتی مورد حکم دادگاه بدوی را افزایش دهد. حال با توجه به ماده فوق و تفسیر آن به بررسی آراء صادره می‌پردازیم. همان‌گونه که در بخش قبل بیان شد، قاضی دادگاه بدوی از میان طیف یک ماه تا یک سال حبس، مجازات شش ماه حبس را مقرر داشته است؛ بنابراین مشخص می‌شود که میزان مجازات مورد حکم، کمتر از حداقل مقرر قانونی (یک ماه حبس) نیست و شرط اول برای تشدید مجازات در مرحله تجدیدنظر وجود ندارد. در خصوص شرط دوم برای تجویز تشدید مجازات در مرحله تجدیدنظر نیز باید بیان داشت همان‌گونه که از متن رأی دادگاه تجدیدنظر پیداست، متقاضی تجدیدنظر، شخص محکوم‌علیه بوده نه شاکی یا دادستان؛ بنابراین واضح و مبرهن است که هیچ‌یک از دو شرط لازم برای تشدید مجازات در مرحله تجدیدنظر وجود نداشته است. در حالی که قضات محترم به این مهم توجهی نداشته و مبادرت به تشدید مجازات نموده‌اند.

در پایان ممکن است این ایراد گرفته شود که اقدام دادگاه تجدیدنظر اساساً تشدید مجازات محسوب نمی‌شود؛ چراکه مجازات مقرر در رأی دادگاه بدوی را که شش ماه حبس بوده و بعداً به ۱۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی تبدیل شده است، نهایتاً به شش ماه و یک روز حبس، افزایش داده و سپس تعلیق نموده است. در پاسخ به این ایراد از یک سو می‌توان بیان نمود: ملاک تشخیص تشدید مجازات، مقایسه مجازات مورد حکم، فارغ از تبدیل یا تعلیق است. نگاهی اجمالی به آراء صادره نشان می‌دهد دادگاه تجدیدنظر، شش ماه حبس را به شش ماه و یک روز

تبدیل کرده است و این قطعاً تشدید محسوب می‌شود. حتی اگر قائل به این نظر نباشیم باز می‌توان این‌گونه استدلال کرد که، مجازات جزای نقدی از حبس تعلیقی خفیف‌تر است؛ چراکه در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین جزایی از جزای نقدی به‌عنوان جایگزین مناسب‌تر مجازات حبس یاد می‌شود.^۱ از سویی دیگر مجازات جزای نقدی مقرر در مرحله نخستین در هیچ صورتی امکان تبدیل به حبس پیدا نمی‌کند، حتی اگر محکوم‌علیه بعد از قطعیت حکم مرتکب جرم شود. درحالی‌که امکان لغو مجازات تعلیقی و اجرای مجازات حبس مقرر در مرحله تجدیدنظر که معادل شش ماه و یک روز است، وجود دارد؛ چراکه به‌موجب ماده ۵۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق، مرتکب یکی از جرائم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه ۷ شود، پس از قطعیت حکم اخیر، دادگاه قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را نیز صادر و مراتب را به دادگاه صادرکننده قرار تعلیق اعلام می‌کند. دادگاه به هنگام صدور قرار تعلیق به‌طور صریح به محکوم اعلام می‌کند که اگر در مدت تعلیق مرتکب یکی از جرائم فوق شود، علاوه بر مجازات جرم اخیر، مجازات معلق نیز درباره وی اجرا می‌شود. استدلال دیگر این است که؛ زمانی که خود دادگاه تجدیدنظر بیان می‌دارد مجازات مرحله نخستین کمتر از حداقل مقرر قانونی است و آن را تا میزان حداقل مقرر قانونی افزایش می‌دهد، این افزایش، معنایی جز تشدید نمی‌تواند داشته باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. رأی وحدت رویه شماره ۷۴۴ مورخ ۱۳۹۴/۸/۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

منابع

- خالقی، علی (۱۳۹۵)، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، تهران: شهر دانش.
- رحیمی، موسی و رضا رحیمی دهنسوری (۱۳۹۶)، گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، تهران: جاودانه، جنگل.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۳)، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران: مجد.

